

سؤال و جواب ها در باب تعمید

سؤال 1:

اگر تعمید همان تولد تازه است، چرا پس از تعمید یافتن گناه می‌کنیم؟

تعمید، طبق تعلیم کتاب مقدس (رومیان 4:6)، تولد تازه است، اما لغزش ناپذیری را اعطاء نمی‌کند. ما در تعمید به تولد تازه، حیات نو و فیضهای نو می‌رسیم، و طبیعت تازه می‌یابیم. رسول می‌فرماید: «... محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی‌ای که از روح‌القدس است¹». چنین طبیعتی، توانایی و استعداد زندگی روحانی را دارد. لیکن تا زمانیکه در جسم هستیم، از لغزشها در امان نیستیم. در اینجا ما امتحان می‌شویم و اراده آزاد در انتخاب خوب و بد را داریم زیرا که فیض نو شدن - که در تعمید یافته‌ایم - آزادی ما را از بین نمی‌برد، چراکه شبیه خدا آفریده شده‌ایم. به همین دلیل، ممکن است شخص پاکدامن هفت بار در روز بیافتد و باز برخیزد. ولی ما لغزش ناپذیری و تاج عدالت را در حیات آتی خواهیم یافت. معلم ما پولس رسول در زمانهای آخر خود بارها گفت: «بعد از این تاج عدالت برای من حاضر شده است که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد؛ و نه به من فقط بلکه نیز به همه کسانی که ظهور او را دوست می‌دارند²».

سؤال 2

اگر کشیش تعمیددهنده گناهکار باشد، آیا در آن صورت آثار تعمید پابرجا خواهد ماند؟

فیضهایی که در تعمید می‌یابیم را خدا به ما می‌دهد نه کشیش، زیرا او کسی نیست جز خادم خداوند. این فیضها برپایه وعده‌های خدا استوار است و به کشیش تعمیددهنده ارتباطی ندارد.

- روحانی همانند نامهرسانی است که نامه شادی بخش را برای شما می‌آورد، اگر او خوش‌رو یا بدرو باشد فرقی نمی‌کند، نامه‌ای که به شما می‌رسد شادی بخش است.

- همچنین می‌توانیم کشیش روحانی را با باغبانی مقایسه کنیم که بذرها را بر زمین می‌کارد تا محصول بار آورد؛ چه او گناهکار باشد و چه پاک، مسأله این است که خود بذرها حیات دارند نه دستهای باغبان.

- ممکن است شما با فنجان زرین یا مسی آب بنوشید، اما آب همان آب است.

در مباحثه در مورد تعمید و ثمراتش، باید اصول ایمانی را به صورت عینی مورد بحث قرار دهیم. نباید بر روی موضوعات ذهنی که ما را به قضاوت دیگران هدایت می‌کند - بدون توجه به آن نعمتهایی که خداوند در تعمید، بر مبنای انجیل حقیقی خود، به انسان عطا کرد - دست بگذاریم.

1 تیتوس 3: 5

2 دوم تیموتائوس 4: 8

سؤال 3

آن دزد روی صلیب چگونه بدون تعمید نجات یافت؟

ما در جواب می‌گوییم که آن دزد بهترین تعمید را یافت، تعمیدی که همه ما مشتاقش هستیم. تعمید چیست جز مردن با مسیح، چنانکه پولس رسول در رساله رومیان باب 6 به ما می‌آموزد؟ آن دزد حقیقتاً با مسیح مرد و مرگ او، تعمیدش شد. شهیدانی که به وقت آزارها و شکنجه‌ها به مسیح ایمان آورده و در راه او کشته شدند، اما پیش از کشته شدن فرصت تعمید آب را نداشتند، به همین شکل تعمید خون یافتند. مرگ ایشان به عنوان تعمیدشان به حساب آمد زیرا که همچون آن دزد، با مسیح مردند.

سؤال 4

اگر تعمید ضروری است، چرا پولس رسول و سیلاس به زندانبان فیلیپی گفتند: «به خداوند یسوع مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت ۳» و نگفتند: «ایمان آور و تعمید یاب»؟ آیا همین ثابت نمی‌کند که ایمان برای نجات کافی است؟

جواب این پرسش این است که هر دو رسول با یک بی‌ایمان صحبت می‌کردند. اگر او ایمان نمی‌آورد، هر کاری هم که می‌کرد نجات نمی‌یافت. پس آنان نخست باید او را به ایمان هدایت می‌کردند. اگر او ایمان می‌آورد آنگاه در مورد مسائل ضروری برای نجات صحبت می‌کردند. به همین دلیل است که در ادامه به این دو واقعه می‌رسیم:

(الف) «آنگاه کلام خداوند را برای او و تمامی اهل بیتش بیان کردند^۴».

(ب) «خود و همه کسانش فی‌الغور تعمید یافتند^۵».

بنابراین ما نباید تنها به یک آیه اکتفا کنیم و به سایر آیات مربوطه توجه نکنیم. در کنار آیه مربوط به ایمان زندانبان فیلیپی، باید آیه مربوط به تعمید او را نیز قرار دهیم. و در کنار سخنان رسولان یعنی: «ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت»، همچنین باید سخنان خداوند را قرار دهیم که می‌گوید: «هر که ایمان آورده، تعمید یابد نجات یابد^۶». به علاوه، تمام آیاتی که مربوط به نجات از طریق تعمید هستند را باید در کنار اینها قرار دهیم، آیاتی همچون اول پطرس 3: 21 و تیتوس

5: 3

سؤال 5

اگر تعمید اینقدر مهم است، آیا پیامبران عهد عتیق تعمید یافتند؟

3 اعمال 16: 31

4 اعمال 16: 32

5 اعمال 16: 33

6 مرقس 16: 16

اگر حکم تعمید در آن زمان وجود داشت، آنان تعمید می‌یافتند. اما این حکم به مسیحیان داده شد. چرا؟ زیرا تعمید یعنی مردن با مسیح، و مسیح در عهد عتیق هنوز نمرده بود.

پیامبران عهد عتیق، آنچه می‌توانستند در عصر خود انجام دهند، کردند یعنی: نمونه‌های تعمید از جمله ختنه و عبور از دریای سرخ. ایشان همچنان عید فصح را برگزار کردند که نماد خون مسیح بود. ما نباید انتظار داشته باشیم مردم از حکمی اطاعت کنند که برایشان ناآشنا بود.

سؤال 6

آیا نجات بوسیله کلام است یا آب؟

آیا گفتار رسول در مورد کلیسا یعنی: «تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید^۷» بدین معناست که چون طاهر شدن بوسیله کلام است، پس نجات نیز بوسیله کلام است؟ و در مورد سایر آیاتی که ضرورت کلام را برای نجات نشان می‌دهند چه؟ آیاتی همچون: «تولد تازه یافتید نه از تخم فانی بلکه از غیرفانی یعنی به کلام خدا که زنده و تا ابد/الابد باقی است^۸» و «و محض اراده خود ما را بوسیله کلمه حق تولید نمود^۹» و چرا نمی‌گوید: «بوسیله تولد تازه ... بوسیله تعمید» و «ما را بوسیله تعمید نجات داد»؟

اهمیت آب برای نجات چیست؟

از آنجا که خداوند گفت: «هر که ایمان آورده، تعمید یابد نجات یابد»، پس نجات از این طریق حاصل خواهد شد. اما فراز «هر که ایمان آورد» باید از طریق موعظه و تعلیم حاصل شود، زیرا رسول می‌گوید: «پس چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟^{۱۰}». اهمیت کلمه در اینجا نمایان می‌شود.

ابتدا کلام، ایمان را به بار می‌آورد و سپس با تعمید، نجات و تازگی حیات حاصل می‌شود. اگرچه نجات و تولد تازه از طریق تعمید حاصل می‌شود، اما ابتدا باید کلمه باشد تا شخص را به ایمان هدایت نماید و ایمان منجر به تعمید گردد. به همین دلیل رسول می‌گوید: «ما را بوسیله کلمه حق تولید نمود^{۱۱}» و «تولد تازه یافتید ... به کلام خدا^{۱۲}» بدین مقصود که «کلام» سرچشمه‌ایست که ما را به همه آنها هدایت می‌کند. و گفته‌های رسول در مورد کلیسا یعنی: «تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید^{۱۳}» بدین معناست که طاهر شدن با تعمید (یعنی غسل آب) کامل می‌شود و این از طریق کلام است یعنی موعظه و بشارت کلام که ایمان و تعمید را حاصل می‌کند.

7 افسسیان 5: 26

8 اول پطرس 1: 23

9 یعقوب 1: 18

10 رومیان 10: 14

11 یعقوب 1: 18

12 اول پطرس 1: 23

13 افسسیان 5: 26

مشاهده می‌کنیم که رسول می‌فرماید: «به غسل آب بوسیله کلام» و نمی‌گوید: «به غسل آب یعنی کلام». اگر غسل آب به معنای کلام باشد، در آن صورت نیازی به تکرار نبود. اما «غسل آب بوسیله کلام» به معنای غسل آب است که در اثر کلام انجام می‌پذیرد. بدون کلام و اثرات آن مردم نمی‌توانند غسل آب یعنی تعمید یابند.

همچنین مشاهده می‌کنیم که در فرازهای زیر به کلمه «ایمان» اشاره نشده است: «تولد تازه یافتید ... به کلام خدا» و «ما را بوسیله کلمه حق تولید نمود». آیا کلام بدون ایمان برای تولد تازه کافی است؟ ممکن نیست! واژه «ایمان» بیان نشده است زیرا که خود متن این مفهوم را می‌رساند.

وقتی مفهومشان در خود متن آشکار است، نیازی نیست که کلمات هر بار تکرار شوند. ما نمی‌توانیم هر بار کلماتی چون: کلام، ایمان، تعمید، تولد تازه را تکرار کنیم. موعظه کلام اهمیت خود را دارد و کسی منکر آن نیست. اما با این حال، نمی‌توان در مورد همه گفت: «بوسیله کلمه حق تولید شده» خواه ایمان داشته باشد خواه نداشته باشد. در مورد تعمید نیز به همین گونه است.

فراز «غسل آب بوسیله کلام» دو چیز را نشان می‌دهد: کلام و تعمید. توجه کنید که به کلمه «ایمان» اشاره نشده است زیرا خود متن گویای آن است.

پروتستان‌ها دائماً بر ایمان تأکید می‌کنند. آیا فقدان کلمه ایمان در افسسیان 5: 26، یعقوب 1: 18 و اول پطرس 1: 23 به این معناست که ایمان مهم یا ضروری نیست؟ البته که نه. گاهی نبود یک کلمه آن را بی‌اهمیت نمی‌سازد، بلکه متن به خودی خود گویا است. کلمه «تعمید» نیز چنین است.

سؤال 7

جایگاه آب در نجات و تولد ثانوی چیست؟

(الف) اگرچه واژه «آب» در فراز «ما را بوسیله کلمه حق تولید نمود» و «تولد تازه یافتید ... به کلام خدا» ذکر نشده است، لیکن در سخنان خداوند به وضوح آمده است: «اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود»^{۱۴}. در این آیه مشخص است که تولد تازه با آب است، آب به معنای واقعی و نه نمادین.

(ب) همچنین زمانیکه کرنلیوس و همراهانش ایمان آورده به کلیسا ملحق شدند، این امر دیده می‌شود. در این مورد، مردان عادل بوسیله خدا به ایمان دعوت شدند: فرشته‌ای بر کرنلیوس ظاهر شد و پطرس رویایی دید و حکم خداوند را شنید. سپس حضرت پطرس کلام را به ایشان موعظه کرد و روح‌القدس بر همه کسانی که پیام را شنیدند نازل شد^{۱۵} و آنان به زبانها سخن گفتند.

آیا این برای تولد ثانوی آنان کافی بود؟ آیا حضرت پطرس می‌توانست به آنان بگوید: «این تولد تازه بر همگی شما مبارک است؟» خیر بلکه حضرت پطرس پس از همه اینها بدیشان گفت: «حال که اینان روح‌القدس را درست همانند ما یافته‌اند، آیا کسی می‌تواند از تعمیدشان در آب مانع گردد؟ پس دستور داد ایشان را در نام یسوع مسیح تعمید دهند»^{۱۶}.

14 یوحنا 3: 5

15 اعمال 10: 44

16 اعمال 10: 47، 48

نویسنده کتاب اعمال رسولان در مورد این واقعه چنین شرح می‌دهد: «مت‌ها نیز کلام خدا را پذیرفته‌اند»^{۱۷}. در اینجا اهمیت آب در کنار اهمیت کلمه دیده می‌شود و واژه «آب» به معنای «کلمه» نیست آنگونه که برخی در رساله افسسیان اشتباه فهمیدند.

(ج) نمونه مبرهن دیگر، تعمید خواجه سرای حبشی است. وقتی او ایمان آورد، کتاب مقدس می‌گوید: «و چون در عرض راه به آبی رسیدند، خواجه گفت: "اینک آب است! از تعمید یافتنم چه چیز مانع می‌باشد؟" فیلیپس گفت: "هر گاه به تمام دل ایمان آوردی، جایز است." او در جواب گفت: "ایمان آوردم که یسوع مسیح پسر خداست." پس حکم کرد تا آرابه را نگاه دارند و فیلیپس با خواجه‌سرا هر دو به آب فرود شدند. پس او را تعمید داد»^{۱۸}.

این تعمید نیز همانند تعمید کرنلیوس و همراهانش، با آب انجام شد؛ تعمید با آب واقعی بلافاصله پس از موعظه کلام ضروری بود. در این مورد نیز «آب» برابر «کلام» نبود. اگر خواجه سرا با کلام از نو متولد می‌شد و با کلام غسل می‌گرفت، دیگر چه نیازی به آب بود؟

اهمیت آب و نمادهای آن در کتاب مقدس

به منظور درک بیشتر که چرا آب برای غسل و تولد تازه طی راز تعمید انتخاب شده است، باید یادآوری کنیم که حتی در آغاز آفرینش، میان آب و حیات ارتباط وجود داشت. کتاب مقدس می‌گوید: «روح خدا سطح آبها را فرو گرفت»^{۱۹}. و خدا گفت: «آبها به انبوه جانوران پر شود و پرندگان بالای زمین بر روی فلک آسمان پرواز کنند»^{۲۰}. پس حیات از آب بیرون آمد و ما می‌توانیم ارتباط میان آب، حیات و روح خدا را مشاهده نماییم.

همچنین در عهد عتیق می‌خوانیم که خدا خود را به آب تشبیه می‌کند آنگاه که مردم را سرزنش کرده می‌گوید: «زیرا قوم من دو کار بد کرده‌اند. مرا که چشمه آب حیاتم ترک نموده و برای خود حوضها کنده‌اند، یعنی حوضهای شکسته که آب را نگاه ندارد»^{۲۱}. این همبستگی همچنین در کلام مسیح خداوند دیده می‌شود: «کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد»^{۲۲}. اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح‌القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه یسوع تا به حال جلال نیافته بود»^{۲۳}.

این سخنان همانند سخنان خداوند در مورد خودش هستند آنگاه که با زن سامری راجع به آب حیات مباحثه می‌کرد: «لیکن کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد»^{۲۴}.

بنابراین آب نمادی از حیات و گاهی نماد خود روح‌القدس است. چه زیباست آن وحی الهی در اولین مزمور در مورد مرد پاکدامن: «پس مثل درختی نشانده نزد نهرهای آب خواهد بود، که میوه خود را در موسم می‌دهد، و برگش پژمرده نمی‌گردد و هر آنچه می‌کند نیک/انجام خواهد بود»^{۲۴}. این میوه، همان ثمره روح‌القدس است.

17 اعمال 11: 1

18 اعمال 8: 36-38

19 پیدایش 1: 2

20 پیدایش 1: 20

21 ارمیا 2: 13

22 یوحنا 7: 38, 39

23 یوحنا 4: 10-14

24 مزامیر 1: 3

ارتباط میان آب، حیات و روح القدس در کتاب مقدس از کتاب پیدایش آغاز می‌شود (1:2) و تا انتهای کتاب مکاشفه یوحنا ادامه می‌یابد: «من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهم داد»^{۲۵} و «و نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشان بود، مانند بلور و از تخت خدا و بره جاری می‌شود»^{۲۶} و «... و هر که تشنه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات بی‌قیمت بگیرد»^{۲۷}. در عبور از دریای سرخ، آب توأمًا نماد حیات و موت بود؛ موت انسان اسیر و حیات انسان آزاد که از آب خارج می‌شود.

در پنجشنبه مقدس^{۲۸} آب به نشان پاکی است. به همین علت است که خداوند پس از شستن پاهای رسولان گفت: «... و شما پاک هستید»^{۲۹}.

مزمورنویس می‌گوید: «دستهای خود را در صفا می‌شویم»^{۳۰}.

این پاکی و طهارت، غسل تولد تازه همراه با کلام است؛ پاکی‌ای که در غسل تولد تازه یعنی تعمید به دست می‌آوریم چنانکه رسول می‌گوید: «و بدنهای خود را به آب پاک غسل داده، نزدیک بیاییم»^{۳۱}.

آب و خون

وقتی روی صلیب، یکی از سربازان به پهلوی مسیح نیزه زد: «در دم خون و آب از آن روان شد»^{۳۲}. در این امر، حکمت الهی چه بود؟ از پهلوی او خون جاری شد تا به ما نشان دهد که بازخرید شده‌ایم. اما چگونه بازخرید می‌شویم؟ از طریق آب در تعمید. بنابراین، خروج توأم خون و آب از پهلوی مسیح، رهایی ما را معلوم می‌سازد. ما خون مسیح را، که از گناهانمان ظاهر می‌سازد، از طریق آب دریافت می‌کنیم. و چه زیباست که در راز عشای ربانی، خون و آب مخلوط می‌شوند.

یوحنا رسول، شاگرد محبوب، که شاهد خروج خون و آب بود، موضوع را روشن ساخته می‌گوید: «زیرا سه شاهد وجود دارد: روح و آب و خون؛ و این سه با هم توافق دارند»^{۳۳}. این آیه رستگاری را شرح می‌دهد. رستگاری به واسطه خون (خون مسیح) به ما داده شد و ما شایستگی دریافت آن را از طریق تولد تازه از آب و روح به دست می‌آوریم. پس این سه یعنی روح و آب و خون در تعمید فراهم می‌آیند.

سؤال 8

آیا آب تمام این اثرات را دارد؟

(الف) این سؤال مرا به یاد اعتراض نعمان سریانی می‌اندازد که ایشع از او خواست تا خود را در اردن بشوید تا پاک شود. او نمی‌توانست باور کند که مشکل آنقدر ساده است که با شستن در آب حل می‌شود، بخصوص اینکه در دمشق رودهای بهتری

25 مکاشفه 6:21

26 مکاشفه 1:22

27 مکاشفه 27:22

28 آخرین پنجشنبه روزه بزرگ، یادآور شستن پای شاگردان

29 یوحنا 13:10

30 مزامیر 6:26

31 عبرانیان 10:22

32 یوحنا 19:34

33 اول یوحنا 5:7، 8

وجود داشت^{۳۴}. اما وقتی او اطاعت کرد و خود را شست، بواسطه ایمانش پاک شد. نبی به نعمان حکم کرد که خود را در رود اردن بشوید، همان رودی که یوحنا تعمیددهنده بعداً در آن تعمید می‌داد (متی 3: 6). آیا ما باید همانند نعمان گمان کنیم که آب نمی‌تواند چنین تأثیراتی داشته باشد؟

خدا مطابق رأی اراده خود به ما فیض می‌بخشد. در این مورد، فیض در خود آب رود اردن نبود بلکه در قوت تطهیری بود که خدا بدان بخشیده بود. در مورد تعمید نیز چنین گفته می‌شود، که در ادامه توضیح خواهیم داد.

(ب) زمانی که خداوند کور مادرزاد را شفا داد، گِل را روی چشمانش قرار داده گفت: «برو در حوض سیلوحا (که به معنی مرسلات) بشوی. پس رفته شست و بینا شده، برگشت^{۳۵}». با ایمان بود که کور مادرزاد بینا شد، اما خدا چنین اراده فرمود که او را از طریق آب بینا کند (و تعمید بینایی روحانی است). باشد که اراده خدا چنانکه خود می‌خواهد کرده شود؛ ما طراح برنامه‌های خدا نیستیم؛ نامش متبارک باد.

(ج) بعلاوه، ما در جواب این سؤال می‌گوییم که آب تعمید تنها یک آب معمولی نیست و شخص تعمید یافته نیز تنها از آب متولد نشده بلکه از آب و روح. روح‌القدس آب تعمید را تقدیس می‌کند و به آن طبیعت خاصی می‌بخشد چنانکه هر که در آب فرو می‌رود از آب و روح متولد می‌شود. پس شخص تعمید یافته شایستگی رهایی بواسطه خون مسیح را پیدا می‌کند. وقتی او در این آب فرو رفت، با مسیح مدفون شد و در مرگ او شریک شد تا شایستگی شراکت در رستخیز او را نیز پیدا کند. به همین دلیل است که در تقدیس آب تعمید، روغن مسح، یعنی روغن روح‌القدس را در آن می‌ریزیم. بنابراین آب بواسطه روح‌القدس تقدیس می‌گردد. هر که از این آب زاده شود، از آب و روح زاده شده است.

در تقدیس آب تعمید، شخص روحانی مناجات تقدیس آب را می‌خواند و روح‌القدس را فرا می‌خواند. او همچنین عبارات خاصی از کتاب مقدس را قرائت می‌کند. از این رو آب تعمید که ما را پاک می‌کند بواسطه کلام تقدیس می‌شود.

سؤال 9

بهبتر نیست بگوییم تعمید، رستخیز با مسیح است و نه مردن با مسیح؟ چراکه مرگ مضر است حال آنکه رستخیز سودمند می‌باشد.

تعمید، مردن با مسیح و رستخیز با اوست چنانکه پولس رسول در رساله به رومیان شرح می‌دهد: «*زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هرآینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد*^{۳۶}» و «*پس هرگاه با مسیح مردیم، یقین می‌دانیم که با او زیست هم خواهیم کرد*^{۳۷}». در این مورد کسی نباید به تفکرات خود متوسل و از تعلیم کلیسا دور شود و بگوید که مردن بی‌فایده است اما رستخیز سودمند است. کتاب مقدس می‌گوید: «*آیا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح یسوع تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم*^{۳۸}». پولس رسول در رساله به کولسیان نیز تکرار کرده می‌گوید: «*و با وی در تعمید مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید*^{۳۹}». از این

34 ر.ک. دوم پادشاهان 5: 10-12

35 یوحنا 9: 6، 7

36 رومیان 6: 5

37 رومیان 6: 8

38 رومیان 6: 3، 4

39 کولسیان 2: 12

آیات مشخص است که تعمید هم موت و هم رستاخیز است.

بواقع کسانی که موت مسیح را خوار می‌شمارند نمی‌توانند از برکات رستاخیز برخوردار شوند.

ممکن است سؤال شود: چرا در تعمید موت هست و اهمیت آن چیست؟

(الف) **شراکت با مسیح خداوند.** پولس رسول نگفت که تنها در قدرت رستاخیز او شریک می‌شود بلکه گفت: «می‌خواهم مسیح و نیروی رستاخیزش را بشناسم و در رنجهای او سهیم شده، با مرگش همشکل گردم»^{۴۰} و «با مسیح مصلوب شده/م»^{۴۱}. فراز «مردن با مسیح» بارها در نامه رومیان تکرار شده است (باب 6).

(ب) **طبیعت فاسد انسان (انسان کهنه)** باید در تعمید بمیرد و طبیعت تازه را در بر کند. به همین دلیل است که رسول در سخنان خود از مصلوب شدن انسان کهنه در تعمید سخن می‌گوید. در همان باب از رساله رومیان می‌فرماید: «زیرا/ این را می‌دانیم که انسانیت کهنه ما با او مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی نکنیم. زیرا هر که مرد، از گناه مبرا شده است»^{۴۲}. اینجا فایده مرگ آشکار می‌شود. برخلاف گمان برخی، موت مضر نیست، بلکه برای ما بهتر است که طبیعت کهنه بمیرد تا بتوانیم با طبیعت تازه رستاخیز نماییم، طبیعتی که شبیه خدا است. چراکه طبیعت فاسد قدرت رستاخیز با مسیح را ندارد. لازم است که طبیعت کهنه بمیرد تا زندگی کند.

(ج) **با شراکت در مرگ او اعتراف می‌کنیم که محکوم به موت و در گناهان خود مرده بودیم و مسیح به جای ما مرد و مدفون گشت.** و چون مزد گناه موت است، با او در تعمید مدفون می‌شویم. بدین روش شایستگی برکات رستاخیز مسیح را بدست می‌آوریم.

(د) **بدیهی است که برای رستاخیز نخست باید بمیریم.** هر که در تعمید با مسیح قیام می‌کند نخست باید با او بمیرد. اگر نمیرد چگونه رستاخیز کند؟

سؤال 10

چرا کسی که والدینش تعمید یافته و از گناه آدم مبرا شده‌اند، باید همانگونه تعمید یابد تا از این گناه آزاد شود؟

ما مجازات موت را از والدین خود به ارث نمی‌بریم که با تعمید آنان، ما نیز نجات یابیم، بلکه آن را مستقیماً از آدم و حوا - یعنی نخستین انسانها - به ارث می‌بریم. ما نسل آدم هستیم. وقتی طبیعت آدم گناه کرد و به مرگ محکوم شد، همه چیز در نسل او فانی شد. ما از نسل آدم و تحت مجازات مرگ هستیم. لذا نه تنها فائن، هابیل و شیث، بلکه همگی فرزندان نسل آدم به مرگ محکوم شدند. در مورد این، کتاب مقدس می‌گوید:

40 فیلیپیان 3: 10

41 غلاطیان 2: 20

42 آیات 6 و 7

«پس همانگونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند»^{۴۳} و همچنین می‌گوید: «و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت»^{۴۴}. از این رو، مرگ مجازاتی برای تمامی نسل انسان، یعنی بنی آدم بود. هر انسان متولد شده‌ای محکوم به مرگ است زیرا نسل آدم است.

نجات از مرگ، یک نجات شخصی است، خواه والدین آن را پذیرفته و خواه نپذیرفته باشند. این نجات به توبه و ایمان به تعمیم و خون مسیح و دیگر برکات و فیضها نیاز دارد. هیچ والدی بی‌گناه نیست. مزمورنویس می‌گوید: «ینک در معصیت سرشته شدم و مادرم در گناه به من آبستن گردید»^{۴۵}.

ما در گناه متولد می‌شویم تا زمانیکه از بند فساد رهایی یابیم (رومیان 8: 21). چه زمانی از این فساد رهایی می‌یابیم؟ پولس رسول در مورد بدنهای ما می‌گوید: «در مورد رستاخیز مردگان نیز چنین است. آنچه کاشته می‌شود فسادپذیر است؛ آنچه بر می‌خیزد، فسادناپذیر... زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بیوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود»^{۴۶}. این چه موقع ممکن است؟ زمانیکه شیپور به صدا در آید و مردگان برخیزند.

سؤال 11

آیا ممکن است تعمیم تکرار شود؟

سؤال: آیا ممکن است تعمیم تکرار شود؟ آیا در «اعتقادنامه نیقیه» گفته نمی‌شود: «ما اعتقاد داریم به یک تعمیم برای آمرزش گناهان؟» و در کتاب مقدس گفته نشده: «یک تعمیم»^{۴۷}؟

جواب: درست است که نوشته شده: «یک تعمیم» لیکن باید کل آیه خوانده شود: «یک ایمان، یک تعمیم».

هرجا که یک ایمان باشد، یک تعمیم نیز خواهد بود.

ما هرگز نمی‌توانیم کسی را که در کلیسای هم‌ایمانان تعمیم یافته، دوباره تعمیم دهیم.

لیکن تعمیم باید توسط روحانی شرعی، که اقتدار کهناتی دارد و می‌تواند راز تعمیم را انجام دهد، صورت پذیرد. همچنین تعمیم، منوط به ایمان شخص به تمام تأثیرات این تعمیم است.

چگونه می‌توانیم تعمیم کلیساهایی را که به کهنات، تعمیم به عنوان راز کلیسا، و اثرات آن اعتقاد ندارند بپذیریم؟

همین امر در مورد کلیساهایی که به راز تعمیم و کهنات اعتقاد دارند، اما توسط پدران کلیسا لعن شده‌اند، صادق است. ابتدا باید لعن‌ها از میان برداشته شود تا بتوانیم رازهای کلیسایشان را بپذیریم.

43 رومیان 5: 12

44 اول قرن‌تینان 15: 22

45 مزامیر 51: 5

46 اول قرن‌تینان 15: 42 و 53

47 افسسیان 4: 5